

## متن پیاده سازی شده

### بسم الله الرحمن الرحيم

اشکال مربوط به جلسه قبل: مرحوم شیخ انصاری فرمایشی دارند که بر رد صاحب فصول بیان کردند و فرمودند: تجری قبح ذاتی دارد و بعد فرمود: بر فرض ذاتی هم نباشد، اقتضاء قبح دارد. از طرفی گفته شده است مرحوم شیخ انصاری تجری را فعل خارجی می داند مثل شرب الماء که المتوهم کونه خمرا و از طرفی فعل خارجی را هم حرام و مبغوض نمی داند از طرفی هم تعدد عنوان را موجب تعدد معنون و واقع نمی داند؛ چگونه بین این کلمات جمع می شود؟

جواب: در بحث اجتماع امر و نهی آمده است که برخی تعدد عنوان را موجب تعدد معنون می دانند؛ لذا اجتماع امر و نهی را جائز می دانند ولی مشهور کما هو الحق قائل به این نیستند که تعدد عنوان موجب تعدد واقع شود؛ در بحث صلاه در دار غصبی واقع یک حرکتی است در خانه مردم؛ آن حرکت، هم حرکت است، هم صلاه، هم غصب، هم فعل ولی واقع که متعدد نیست و مرحوم شیخ هم جزء مشهور می باشند.

البته مرحوم آشتیانی در حاشیه بر رسائل اشکال گرفته اند ولی ما آن را قابل تأمل می دانیم چرا که اگر کلمات مرحوم شیخ را کنار هم بگذاریم یکی از این مقدمات ناتمام است لذا می توان از مرحوم شیخ دفاع کرد.

اینکه مرحوم شیخ قبح تجری را ذاتی می دانند و تجری را قبیح و متجری را مستحق عقاب می دانند، بحثی نیست و این هم که فعل خارجی را حرام و مبغوض نمی دانند، بحثی نیست و این هم که تعدد عنوان را موجب تعدد معنون نمی دانند، بحثی نیست؛ ولی این که بگوئیم ایشان تجری را همان فعل خارجی می دانند، قابل تأمل است و کلمات مرحوم شیخ در این باره صراحت ندارد و ایشان در جائی می گویند: گاهی تجری در ضمن فعل خارجی محقق می شود در جای دیگر می فرمایند: فعل خارجی در ضمن تجری محقق می شود.

البته ما فعلا نمی خواهیم این را بررسی کنیم.

### گفتار پنجم: تحقیق و بررسی نهائی

برای اظهار نظر باید چند مقدمه را در نظر گرفت.

مقدمه اول: باید یکبار دیگر تجری را معنا کرد و بررسی کنیم ببینیم همه ی اقسامش محل بحث است یا برخی اقسامش محل بحث است؛ شاید کسی که می گوید تجری حرام است، نظر به قسم خاصی دارد و کسی که میگوید حرام نیست، نظر به قسمی دیگر دارد.

مقدمه دوم: باید معنای عقاب را بررسی کنیم و بدنبال آن ببینیم معنای استحقاق عقاب چیست.

مقدمه سوم: بررسی معنای حرمت؛ به این بیان که اگر حرمت به معنای کراهت و مبغوضیت باشد با این که حرمت به معنای انشاء مولی باشد، فرق می کند؛ ممکن است کراهت و مبغوضیت را منکر نشویم ولی حرمت را منکر شویم؛ لذا ممکن است کسی که می گوید: تجری حرام است، مرادش مبغوضیت باشد و کسی که می گوید حرمت ندارد، مرادش جعل و انشاء باشد. مقدمه چهارم: آیا بین استحقاق عقاب و مخالفت حرمت ملازمه است یا نه؟ آیا هر جا استحقاق عقاب است، الزاما مخالفت حرام شده است یا استحقاق عقاب بدون مخالفت حرمت هم می آید؛ چنانچه ملازمه باشد نمی توان استحقاق عقاب را بیان کرد و انکار حرمت کرد و چنانچه قائل به ملازمه نباشیم و قائل به گسست این ها باشیم به نحو دیگر نظر دهیم؛ حال یا دو طرفه گسست دارند که رابطه عام و خاص من وجه می شود یا یک طرفه گسست دارند که رابطه عام و خاص مطلق می شود؛ لذا ممکن است کسی بر اساس قبول گسست مطلبی بگوید و کسی بر اساس انکار گسست، منکر شود.

مقدمه پنجم: از نکات محوری این است که بررسی شود فعل متجری به چند حیثیت دارد؟ مثلاً شرب الماء از یک حیث شرب الماء است و از یک حیث هتک است و از یک حیث طغیان بر مولی است بعد ببینیم فعل متجری به چه رابطه ای با تجری دارد. اگر گفتیم تجری همان شرب الماء است یعنی یک عمل خارجی دو حیثیت دارد از حیثی تجری است و از حیثی شرب الماء است.

ولی اگر گفتیم تجری یک مؤلفه ای دیگر غیر فعل خارجی است، ممکن است بگوئیم تجری حرام است؛ ولی فعل خارجی حرام نیست.

مقدمه ششم: اعتقاد و انگیزه فاعل چقدر در ارزش گذاری فعل اثر دارد؟ ممکن است کسی بگوید: انگیزه هیچ اثری در فعل ندارد و ممکن است کسی بگوید: انگیزه در فعل اثر دارد.

مقدمه هفتم: بررسی تجری در عقلاء و بناء عقلاء نسبت به تجری

مقدمه هشتم: باید یک مروری بر آیات و روایات کرد البته نه به صورت گزینشی. یعنی فارغ از پیشینه فکری خود ببینیم نصوص چه می فرماید.

مقدمه اول: معنا و اقسام تجری

در گفتار دوم معنا و اقسام تجری گذشت. در لغت به معنای ابراز جرأت علیه کسی بود و لذا در لغت به معصیت هم تجری گویند ولی در اصطلاح اصول تجری را مقابل عصیان ذکر می کنند.

اما اقسام تجری هم از شدید تا ضعیف داشتیم مثلاً یک تجری داشتیم که کسی که احتمال حرمت را می دهد انجام می دهد و خیلی دوست دارد این عمل معصیت نباشد. ما این ها را بحث نمی کنیم این قسم را ممکن است همه ی علماء بگویند حرام نیست و عقاب ندارد. بلکه بحث جایی است که انسان عملی را که به حسب قطع یا به حسب حجت معتبر حرام می داند، انجام دهد و بعد معلوم شود حرام نیست یا عملی را که به حسب قطعش یا حجت معتبر فکر می کند واجب است ترک کند و بعد ثابت شود که این عمل واجب نبوده است.

مقدمه دوم: معنای عقاب و استحقاق عقاب

دو نوع عقوبت داریم:

الف- عقوبت قرار دادی: همان عقوبت هایی که خداوند جدای از عمل، در دنیا یا آخرت قرار داده اند؛ بعنوان مثال فرموده است عقوبت زنا صد شلاق است یا فرموده است نگاه به نامحرم باعث می شود در قیامت آتشی در چشم ناظر بکنند. در حقوق موضوعه دنیا همه عقوبت ها قراردادی است. بعنوان مثال می گویند: اگر کسی حمل سلاح کند یا خیانت کند یا در عموم سیگار بکشد فلان مقدار عقوبت می شود.

ب: عقوبت تکوینی که لازمه عمل است و از عمل جدا ناپذیر است مگر خالق هستی واقع را منقلب کند؛ بعنوان مثال در باب فراغ از مولی امیر المومنین علیه السلام در دعای کمیل آمده است: صبرت علی عذابک فکیف اصبر علی فراقک. (عذابک قرار دادی است و فراقک تکوینی است)

الحمد لله رب العالمین